

۵۳ دقیقه گفت و گوی صریح و چالشی با محمد جواد ظریف درباره انتقاده‌ها از کارنامه‌اش

دنبال ۱۴۰۰ نیستم، تعهد محضری بدهم؟

هدف از بر جام اصلا اقتصادی نبود بحث‌های هسته‌ای، امنیتی و خارج شدن از شورای امنیت بود که محقق شد



عکس: علی عباسپور

مذاکره می‌شد بیشترین سفرهای ما چه در سطح وزیر خارجه و چه رئیس‌جمهور، به کشورهای غیرغربی بوده وسفرهای من به اروپا انگشت شمار است. این نشان می‌دهد واقعا دوستان ما تصویر غلطی از سیاست خارجی برای اهداف داخلی و محفلی خود می‌سازند. اما عیب اصلی این کار این است که سیگنال غلط به خارج می‌دهد. جمهوری اسلامی انتخاب‌های متعدداردوبه صورت‌منطقی این انتخاب‌ها را دنبال می‌کنیم وان‌شاء... نتایج را هم مردم خواهند دید.

باتوجه‌به تعریفی که گفتید عملا مهم‌ترین هدف از بر جام مسائل اقتصادی و رفع تحریم‌ها بود اما الان به‌دو شاخص می‌رسیم. درباره دستاوردهای بر جام یکی به‌هم‌خوردن اجماع بین‌المللی و لغو قطعنامه‌ها بود و دیگری رفع تحریم‌ها که الان داریم آن‌را خارج از چارچوب بر جام پیگیری می‌کنیم.

ما باید این دوموضوع را از هم جدا کنیم. یکی اهداف راهبردی ما از بر جام و دیگری ما به ازاهای اقدامات ما و غرب. بله غربی‌ها باید هزینه می‌دادند که آن هزینه اقتصادی بود. آن‌زمان یک معادله‌ای در دست شد بین اقدامات ما و اقدامات غربی‌ها، اقدامات ما هسته‌ای بود و اقدامات آن‌ها اقتصادی، بنابراین در این که غربی‌ها در انجام تعهدات خود کوتاهی کردند، شکی نیست.

اما این واقعیت به‌این معنی نیست که هدف از بر جام اقتصادای بود. اصلا این طور نیست. مذاکرات ما درباره بر جام تا فروردین ۹۴ (یعنی سه ماه قبل از توافق نهایی بر جام) صرفا هسته‌ای و امنیتی بود. آقای درّی اصفهانی که واقعا هم خدمات‌شایانی به بر جام کرد در فروردین ۹۴ در لوزان وارد مذاکرات شد یعنی تا آن‌زمان ما بحث تخصصی اقتصادی نمی‌کردیم. بحث‌های هسته‌ای، امنیتی و خارج‌شدن از شورای امنیت بحث‌های اصلی ما بودو این که کسی بگوید هدف بر جام اقتصادی بود با واقعیات و خطوط قرمز می‌که برای ما ترسیم‌شده بود، نمی‌سازد. بنابراین این دوموضوع را باید از هم جدا کنیم. اهداف بر جام استراتژیک بود آن اهداف به‌دست‌آمده و قابل بازگشت‌هم‌نیست. اجماع جهانی علیه ایران شکسته و قطعنامه‌های شورای امنیت هم لغو شده است. در ست است که قطعنامه‌ها می‌توانند برگردند اما ما هم می‌توانیم برنامه هسته‌ای خود را به‌شکل قوی‌تری شروع کنیم.

برنامه هسته‌ای ایران حفظ و تقویت شد. مدت زیادی روی تحقیق و توسعه سانتریفیوژها و آب سنگین و... بحث کردیم.

آمریکایی‌های خواستند روی راکتور اراک بولدوزر بیندازند و در فردو را گل بگیرند. می‌خواستند فقط روی IR۱ تحقیق و توسعه انجام شود. ما می‌خواستیم همه امکانات را حفظ کنیم و تحقیق و توسعه روی بالاترین سانتریفیوژمان انجام شود. این‌ها اهداف راهبردی ما بود و در همه این اهداف به‌نتیجه رسیدیم. همه قطعنامه‌ها هم لغو شد.

البته اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها باید ما به‌ازای اقتصادی می‌دادند که نقض کردند و باید جبران کنند. ما مدعی هستیم و آن‌ها باید خسارات جمهوری اسلامی را بدهند.

اما این که ما بیاییم صورت مسئله را عوض کنیم و بگوییم هدف بر جام رفع تحریم‌ها بود و ما ترسیدیم در ست نیست. هدف بر جام چیز دیگری بود که حاصل شد. وظیفه اروپا و آمریکا رفع تحریم‌ها بود که به خصوص آمریکایی‌ها نشان دادند در طرف مذاکراتی خوبی نیستند. این به‌آن معنا نیست که دوباره هدف بر جام را بازتعریف کنیم. ... **ادامه در صفحه ۱۶**

در این موضوع نیست. مثلا آقای عراقچی خیلی تند تهدید می‌کند و ۲۴ ساعت بعد در مصاحبه می‌گوید که اروپا خوب همکاری می‌کند. این نوسان‌ها پیام‌های متناقضی فرستاده و باعث انتقادهایی شده است.

این‌ها نوسان نیست و همه قسمت‌هایی از یک حرکت حساب شده است که دنبال می‌کنیم. اگر همراهی بیشتر داخلی داشتیم بهتر از این می‌توانستیم نه‌آدینه کنیم اما همین الان با وجود همراهی داخلی و به رغم این که در هر حرکت خود برای تلاش جهانی که انجام می‌دهیم بیشتر نگاهمان این است که از داخل تیر نخوریم، کار را پیش برده ایم. البته موضوع جدیدی هم نیست و من و دکتر عراقچی و دکتر صالحی به این عادت کرده‌ایم. در طول مذاکرات بر جام هم بیشتر نگران خنجرهای از پشت بودیم اما به هر حال این هم قسمتی از چالش است و این چالش‌ها فرصت می‌سازند و باعث می‌شوند حوصله شما از کار سیاسی سر نرود.

درباره موضوع SPV آیا قرار است ضرب الاجلی برای اروپا تعیین کنیم؟ تا چه مدت قرار است این تعلل ادامه یابد؟

اروپا یکی از انتخاب‌های ماست و تنها انتخاب ما نیست. ما روابط خود را با کشورهای مختلف گسترش می‌دهیم. حتما همسایگان اولویت بزرگ‌تری از اروپا هستند. روابط ما با روسیه، ترکیه، عراق و دیگر همسایگان و روابط با چین هم به لحاظ حجم و قابل اعتماد بودن از روابط با اروپا مهم‌تر هستند. البته اروپایی‌هایک فرصت جدی داشتند در ایران و این فرصت را به‌خاطر بی‌عملی و انفعال در برابر آمریکا یا ناهماهنگی داخلی یا فرصت‌طلبی (که می‌خواستند هم از منافع استفاده کنند و هم هزینه‌ای ندهند) از دست دادند. متأسفانه اروپا آمادگی هزینه کردن را ندارد. این باعث می‌شود اروپایی‌ها نتوانند از شرایط بین‌المللی بیشترین استفاده را بکنند در شرایطی که می‌توانستند و دیگران استفاده کردند. کسی که در قضیه SPV ضرر کرده اروپاست. اروپا برای ما یک‌روز نه است که این‌روزنه SPV را هم داشته باشیم. هم‌زمان روز نه‌ها با چین و دیگر کشورهای را دنبال می‌کنیم. اروپایی‌ها اگر بخواهند از منافع بر جام استفاده کنند، باید آمادگی هزینه‌دان را داشته باشند و ماروش‌هایی را داریم و این روش‌ها را استفاده می‌کنیم که اروپایی‌ها این را متوجه شوند که اگر می‌خواهند از منافع بر جام و روابط با جمهوری اسلامی استفاده کنند باید آمادگی هزینه کردن در این روابط را داشته باشند.

بر جام و اتحادیه اروپا در هم تنیده نیستند و دو شخصیت جداگانه دارند و این واقعیت را به عنوان یک راهبرد کلان مدنظر داریم. هیچ وقت اجازه ندادیم ابتکار عمل دست اروپایی‌ها باشد. مشکل اساسی ما این است که برخی محافل داخلی، تصویری که از رفتار ما می‌سازند و لااغیرواقعیع‌بینانه است و تأثیا این پیام غلط را به طرف مقابل می‌دهد که جمهوری اسلامی انتخاب و گزینه‌ای ندارد در حالی که ما انتخاب‌ها و گزینه‌های متعددی داریم. دوستان ما در داخل که ادعای ضدیت با آمریکا دارند به‌جای این که از آمریکا یک اسطوره شکست‌ناپذیر بسازند و بعد آن را شکست دهند. دیگری اتفاق می‌افتد، نشان دهند. نباید درباره سیاست‌ها و دیدگاه‌های ما یک‌بیر کاغذی بسازند و بعد آن را شکست دهند. مثلامی‌گویند "اگر شما معتقد نیستید همه دنیا غرب است، چرا همه امیدتان را به غرب بسته‌اید؟" چه کسی همه امیدش به غرب است؟ از روزی که بر جام

اجازه بدهید و از دبحث بر جام شویم. یک انتقاد به دستگاه دیپلماسی این است که واکنش ما به رفتار اروپا در خصوص ادامه بر جام خیلی منفعلانه بوده است. اکنون شرایطی پیش آمده که انگار همه راضی هستند، هم آمریکا راضی است چون بدون انجام تعهدات خود از بر جام خارج شده، هم اروپا راضی است چون ما همچنان تعهدات خود را اجرا می‌کنیم، هم چین و روسیه راضی هستند چون امتیازات بیشتری در این شرایط می‌توانند از ایران بگیرند بنابراین کاری قرار نیست انجام دهند. برای همین برخی معتقدند باید یک اقدام جدی‌تری در این برهه انجام می‌دادیم تا تعلل اروپا ادامه پیدا نکند. هر چند حتماً راضی گفته می‌شود ایران هم به این شرایط راضی است چون آمریکا را منزوی کرده است. نظر شما چیست؟

ما سیاستمان را بر اساس واکنش به دیگران تعیین نمی‌کنیم. سیاست ما در خصوص بر جام بر اساس منافع خودمان تبیین می‌شود و این طور نیست که ما انتخابی نداشته باشیم. آمریکایی‌ها شاید فکر دیگری می‌کردند و باور نمی‌کردند جمهوری اسلامی بتواند شرایط را کنترل کند. فکر می‌کردند در قالب چارچوبی که برای آن‌ها قابل پیش‌بینی بود، عمل می‌کنیم. اما این کار را نکردیم و باعث شدیم آمریکا منزوی شود. بعضی خیال می‌کنند این که آمریکا به رئیس‌یک بانک می‌گوید چه کاری بکنند یا بکنند یا مسئول مالی یک شرکت مثل هواوی را دستگیری می‌کند نشان از قوت آمریکاست در حالی که چنین نیست. نقطه قوت آمریکا این بود که می‌توانست با اهرم‌های بین‌المللی یک اجماع بین‌المللی علیه ایران ایجاد کند. البته کماکان معتقدیم اگر اروپایی‌ها می‌خواهند از منافع بر جام استفاده کنند، باید آمادگی هزینه کردن در این زمینه را داشته باشند.

جمهوری اسلامی انتخاب‌های متعددی در داخل و خارج بر جام دارد و ما از این انتخاب‌ها بنا به مصلحت خود استفاده می‌کنیم. طراحی داریم و به صورت مداوم در سطوح عالی کشور تصمیم‌گیری می‌شود. تصمیم‌گیری هم در ایران به صورت اجماع‌سازی است که انجام شده است. در دنیا همه احساس می‌کنند جمهوری اسلامی در این قضیه حالت ابتکار عمل را دارد اما برخی از دوستان مادر داخل و انمود می‌کنند ما ابتکار عمل نداریم. این که ما توانستیم میان آمریکا و متحدان نزدیکش در یکی از مسائل مهم امنیت جهانی فاصله بیندازیم و این که الان کشورهای مختلف حتی کشورهای نزدیک به آمریکا در حال فاصله گرفتن از دلار در روابط تجاری خود هستند، تحولات مهم و اساسی در صحنه بین‌المللی به شمار می‌روند. من نمی‌دانم چرا دوستان ما این تحولات را نمی‌بینند و می‌گویند ایران انفعالی عمل می‌کند؟ البته آن‌چه لازم است انجام دهیم این است که ابتکار عمل را حفظ کنیم و این که هیچ کس احساس نکند جمهوری اسلامی بی‌انتخاب است، جمهوری اسلامی انتخاب‌های متعدد دارد. کسی نباید این پیام را به خارج‌جی‌ها بدهد که ما انتخاب نداریم. فکر می‌کنم این پیام را بیش از هر کس دیگری داخلی‌های ما به خاطر برخی ملاحظات یا معنی داخلی تولید می‌کنند بعد از این که این سیگنال بر می‌گردد، وزارت خارجه را متهم می‌کنند به بی‌عملی.

ما در موضع گیری‌ها، به خروج از ان پی تی تهدید کردیم تا باز کردن مرزها روی قاچاق مواد مخدر و پناهندگان به سمت اروپا و... اما متأسفانه به نظر می‌رسد گویا وحدت رویه‌ای

ما شاهد هستیم که در هفته‌های اخیر صحبت از یک سری ائتلاف‌های جدید در منطقه می‌شود و اسامی به برخی کشورها هم مطرح است. اساسا چه ظرفیتی در شرایط فعلی منطقه برای تشکیل چنین ائتلاف‌هایی وجود دارد یا این که این مواضع وسخنان، بیشتر به منظور استفاده از بر که ایران برای امتیازگیری از آمریکاست؟ یکی از واقعیت‌های دوران انتقالی بین‌المللی که شاهدش هستیم، پایان ائتلاف‌های دایمی است و اگر به شرایط جهانی نگاه کنید بیشتر ائتلاف‌ها موضوعی یا مقطعی هستند. جمهوری اسلامی نیز به عنوان کشوری که استقلال عمل در سیاست خارجی دارد، امکان ائتلاف‌سازی را همیشه داشته است. ما این امکان را داریم که روند موافقی است. با دیگران، ائتلاف‌هایی داشته باشیم. ما توانستیم روابط خوبی با ترکیه و روسیه ایجاد کنیم و درباره سوریه همکاری خوبی داشته باشیم که تنها مدل موفق همکاری در سوریه به شمار می‌رود که توانسته حداقل از شدت تخاصمات در سوریه کاهش دهد. قبل از روند آستانه هیچ‌روند موافقی وجود نداشت ولی روند آستانه نشان داد که روند موافقی است. همکاری‌های ایران، ترکیه و قطر برای جلوگیری از فشار عربستان سعودی به قطر همکاری موافقی بود. اصولا اعتقاد داریم تغییر نقشه جغرافیایی منطقه به صلاح ما و هیچ کشور دیگری نیست. برای همین هم سیاست دایمی ما بوده که با این موارد مقابله کردیم. جمهوری اسلامی این امکان را دارد که بر حسب شرایط، ائتلاف‌های موضوعی را ایجاد کند و با کشورهای هم فکر خودش همکاری داشته باشد.

موردی هم از این ائتلاف‌ها وجود دارد که الان در دستور کار ایران باشد؟

بله وجود دارد. همکاری‌هایی در سطح منطقه با کشورهای مختلف هست که بر برخی وقت‌ها جنبه سازمان‌یافته‌تری می‌گیرد. ما این همکاری‌ها را بدون اعلام عمومی ادامه می‌دهیم تا زمانی که همه کشورها آمادگی اعلام کردنش را داشته باشند.

بحث‌هایی که درباره ائتلاف قطر، ایران، ترکیه و عراق و عمان می‌شود تا چه حد جدی است؟

ما بیش از این که در سیاست بالاتر می‌رود حرکات دست‌انداختن یا رددهم‌ودازدهم به تبلیغات توجه داشته باشیم به نتیجه معطوف هستیم و همکاری‌هایی را که شکل می‌دهیم، کمتر تبلیغاتی می‌کنیم. بنابراین این گونه همکاری‌ها را با کشورهای منطقه پیش می‌بریم. لازم است اضافه کنم که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حذف هیچ کشوری در منطقه نیست و ما سیاست همکاری با همه کشورهای منطقه را داریم.

آمریکا چقدر بار وند سوریه کنار آمده است؟

آمریکا و غرب اصلا به روند آستانه روی خوشی نشان نداده و تاکنون چند بار تا اعلام مرگ زود هنگام روند آستانه پیش رفت‌اند. به‌تاگی هم شنیدیم که سوریه مطرح‌وچهار سال قبل نپیشنهاده‌ی را برای حل سیاسی یمن ارائه کردیم و الان می‌بینید که پس از مدت‌ها جنگ ناجوانمردانه، امروز فرمول‌های جمهوری اسلامی مطرح شده است. مشکل این است که غربی‌ها منطق و عقلانیت را فدای برخی ملاحظات و فشارهای متحدان خود می‌کنند.

سید علی علوی- حمید حسینی- هادی محمدی: «امید، امیر کبیر و آرش کمانگیر» (۱) یادپیلمات «ضعیف» (۲)، «مسئول رفع مشکل آمریکا» (۳)، لیبرال غرب‌زده» یا «وطن‌پرست و انقلابی». این طیف گسترده و متناقض از قضاوت درباره دیپلماتی ۵۹ ساله که چندسالی است سکن هدایت دستگاه سیاست خارجی کشورمان را در دست دارد، در نوع خود هم عجیب است و هم سوال برانگیز. چگونه چنین صفات متناقضی در یک نفر قابل جمع شدن است؟ به نظر می‌رسد یافتن پاسخ به این سوال را بیش از آن که در خود ظریف جست‌وجو کنیم باید در نوع نگاه دوستداران و موافقان او و منتقدانش جست. کدام یک قضاوت درست‌تری دارند؟ رسیدن به پاسخ این سوال تا حد زیادی معطوف به توجه به سیر حضور محمد جواد ظریف در عرصه سیاست عمومی کشور به‌ویژه در دوره جدید در سمت وزیر خارجه است. ظریف در زمانه‌ای سکن هدایت دستگاه دیپلماسی را به دست گرفت که جامعه به‌ویژه طبقه متوسط به عنوان موتور انتخاب دولت‌دهم رنجور از زخم تحریم‌ها و خسته از موضع‌گیری‌های شعاری و احساسی در سیاست خارجی به دنبال شعار تدبیر روحانی و امیدوار به کاربلدی و دانش‌ظریف از قواعد روابط بین‌الملل در جست‌وجوی یک ناجی برای‌رهایی از این وضعیت بودند. احساسی که در تیتراخیلی از روزنامه‌های نیز نمود می‌یافت. مذاکرات مارائن گونه و جانفرسای هسته‌ای که از یک دهه قبل به درازا کشیده بود، به نظر می‌رسید در ایستگاه پایانی باشد. ظریف و همکارانش پس از چندین دور مذاکره شبانه‌روزی در نهایت در ۲۴ به‌رامه ۹۴ از رسیدن به توافق موسوم به برجام خبر دادند. بازگشت این دیپلمات کارکشته به کشور با استقبال پرشوری از او در فرودگاه همراه شد استقبالی که شعارهای مردم بغض را در گلوئی وزیر خارجه نشاند. مذاکرات هسته‌ای به توافق رسیده بود و یکی شادمان از این توافق و دستاوردهای اقتصادی آن، آینده‌یک دلاری را با هزار تومانی گرمی زد و دیگری از برادر فتن تمام داشته‌های فنی صنعت هسته‌ای ایران انتقاد می‌کرد. قصه این «توافق قرن» اما با بدعهدی‌های یکی از طرف اصلی برجام یعنی آمریکا به فصل‌های تلخ‌تر رسید. بهره‌ایران از برجام «تقریبا هیچ بوده است»، سخنی که سیف رئیس کل وقت بانک مرکزی در اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا کمتر از شش ماه بعد از برجام در انتقاد از بدعهدی‌های آمریکا و با هدف مخاطب خارجی بیان کرد، رفته رفته به در ست با غلط به قرائت غالب در فضای داخلی کشور بدل گشت. قرائتی که به جرئت می‌توان گفت همچنان بر جام) صرفا هسته‌ای و امنیتی بود... بحث‌های هسته‌ای، امنیتی و خارج شدن از شورای امنیت بحث‌های اصلی ما بود و این که کسی بگوید هدف بر جام اقتصادی بود با واقعیات و خطوط قرمز می‌که برای ما ترسیم‌شده بود، نمی‌سازد... و در همین اهداف به نتیجه رسیدیم. همه قطعنامه‌ها هم لغو شد، «گفت و گوی ما با این دیپلمات شیک پوش و خوش‌رو در دومین روز فصل زمستان و هم‌زمان با روزهایی که به نظر می‌رسد بر جام هم فصل خزان خود را می‌گذراند، در ساختمان تاریخی وزارت خارجه انجام شد.

در حالی که روحانی به وضوح در رقابت‌های انتخاباتی این شعار را که «چرخ سانتریفیوژها باید بچرخد، چرخ زندگی مردم هم باید بچرخد» می‌داد و وعده رفع تحریم‌ها در صورت توافق پررنگ بود، وقتی تاکید می‌کنیم این دولت بود که برجام را بمعیشت مردم گره زد و توقعات را بالا برد، او این رفتار دولت را به نوعی واکنشی به انتقادهای منتقدان بر می‌شمارد و تصریح می‌کند: «بعضی محافل داخلی بودند که برای برخی اهداف خود به دولت حمله می‌کردند و دولت ناگزیر بود پاسخ بدهد. خیلی از حرف‌هایی هم که دولت می‌گفت یا می‌گوید، منطقی است... اگر گفتیم برای صنایع آب کشور هم نیاز به رفع تحریم‌هاست به خاطر این بوده که تحریم‌ها مانع واردات تجهیزات صنعت آب کشور می‌شد. این دفاع تمام‌قدر ظریف از دستاوردهای برجام اما به نظر می‌رسد درباره آینده این توافق و پایداری آن چندان سفت و محکم نیست. به وضوح وقتی از اروپا سخن می‌گویند، از افعال ماضی استفاده می‌کنند. گویی همه چیز تمام شده است، «متأسفانه اروپا یک فرصت جدی را از دست داد چون آمادگی هزینه کردن را ندارد». اما این دیپلمات عمل‌گر که در محبوحه مذاکرات لوزان در مقاله‌ای در نیویورک تایمز از اصول اصلی خط مشی مذاکراتی خود رونمایی و تصریح کرده بود، امکان ندارد هیچ کشوری به مصالح خود برسد بدون آن که مصالح دیگران را لحاظ نکند.» به‌طور کامل در راه‌روی اروپا نمی‌پندود تا یکدی می‌کند: «کماکان معتقدیم اگر اروپایی‌های می‌خواهند از منافع بر جام استفاده کنند باید آمادگی هزینه کردن در این زمینه را داشته باشند.»

وقتی با ظریف مصاحبه می‌کنید باید حرکات و زبان بدن او را هم بخشی از پاسخ اش به سوالات به حساب آورید. این مسئله زمانی مشهود است که بحث به انتقادهای داخلی از عملکرد وزارت خارجه و بر جام می‌رسد. کمی تدا به دیدش بالاتر می‌رود و حرکات دست‌اناش بیشتر می‌شود. شاید در یکی از تندترین موضع‌گیری‌ها درباره این بخش، از منتقدان خود می‌گوید: «... در هر حرکت خود برای تلاش جهانی که انجام می‌دهیم، بیشتر نگاهمان این است که از داخل تیر نخوریم... در طول مذاکرات بر جام هم بیشتر نگران خنجرهای از پشت بودیم». در پاسخ به انتقاد از این که برخی رفتارهای او مانند فیلم صحبت‌های خصوصی اش با البرادعی، حضورش در سخنرانی تبلیغات انتخاباتی دکتر روحانی در اصفهان و حضور در کنفره حزب‌ننداجایگاه سیاست خارجی را به‌حد رقابت جناحی تقلیل می‌دهد و همکاری ملی در باره رویکردهای سیاست خارجی را به‌خطر می‌اندازد می‌گوید: «چرا سخنرانی برای مراسم‌شهادی موقوفه کسی چیزی نگفت؟» انتقاد از حضورش در سخنرانی تبلیغاتی روحانی را هم که «به عنوان عضو دولت و با هزینه شخصی به آن جارفته» کم لطفی دوستان می‌داند، اما پاسخی به سخنانش با البرادعی نمی‌دهد. در حالی که پیشتر حسین مرعشی، عضو هیئت رئیسه شورای عالی انتخاباتی اصلاح‌طلبان از ظریف در کنار جهانگیری، زنگنه، بی‌طرف و ملک زاده به عنوان پنج گزینه اولیه اصلاح‌طلبان برای انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ نام برده بود و در باره این که بر برخی معتقدند این رفتارها شایبه‌نگاشش به انتخابات ۱۴۰۰ را تقویت کرده، با خنده پاسخ می‌دهد: «آقایان به من بگویند چگونه این نگرانی را رفع کنم تا من همان کار را انجام دهم... دنبال ۱۴۰۰ نیستم. چه کار کنم؟ در محضر تعهد بدهم؟» انتقاده‌ها از سخنانش در باره پول شویی را هم با حرارت رد می‌کند و معتقد است: «هیچ استفاده‌ای در خارج از این سخنان نمی‌شود... چون پول شویی یک واقعیت در کشورهای غربی نیست. به «معتقد هیچ یک از نهادهای کشور طرفدار پول شویی نیستند» و حرف ما این است که باید برای مقابله با آن، قانون داشته باشیم.

این که مصاحبه طبق زمان بندی قبلی، سر وقت تعیین شده و بدون معطلی در گیت ورودی برگزار می‌شد برای ما که خیلی جاها خبر لغو مصاحبه را در دقیقه ۹۰ شنیده بودیم غریب و نا مانوس بود. گفت و گوی ما با دکتر محمد جواد ظریف در حالی برگزار شد که هم اهان وزیرو همکاران ما تقریبا در جای خود میخکوب شده بودند هم به خاطر این که وقتی با شخصی مانند محمد جواد ظریف مصاحبه می‌کنید باید به تمام جزئیات گفتاری و رفتاریش در پاسخ به سوالات دقت کنید و هم آن که کنفوش چوبی اتاق مصاحبه که با کوچک‌ترین رفت‌وآمدی به صدا در می‌آید، عملا امکان هر کنشی را سلب کرده بود! متن مصاحبه ما را با دکتر محمد جواد ظریف وزیر خارجه در ادامه بخوانید.

۱- تیترا یک آفتاب یزد (۲۳ تیر ۹۴ و ۱۲ مهر ۹۷) و تیترا یک و یکس یق قانون (۲۳ تیر ۹۴) ۲- تیترا یک وطن امروز (۷ اردیبهشت ۹۵) ۳- کیهان (۱۶ مهر ماه ۹۷)